

پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۹۹

این کتاب با حمایت و مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است

محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

[موسوعة معارف الكتاب والسنة. ترجمة فارسی]

دانش نامه قرآن و حدیث / محمد محمدی ری شهری با همکاری جمعی از پژوهشگران؛ ترجمه حمیدرضا شیخی و دیگران. - قم: دار الحدیث، ۱۴۳۲ق = ۱۳۹۰ -  
ج. - (پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۹۹)

ISBN (set) : 978 - 964 - 493 - 494 - 0

ISBN : 978 - 964 - 493 - 592 - 3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب نامه.

۱. احادیث موضوعی - دایرة المعارف ها. ۲. احادیث شیعه - قرن ۱۴. ۳. احادیث اهل سنت - قرن ۱۴. الف. شیخی، حمیدرضا، ۱۳۴۵ - . ب. عنوان: موسوعة میزان الحكمة. ج. عنوان.

BP ۱۳۶/۹/م ۳۵۲۱۳۸۴

فهرست نویسی پیش از انتشار، توسط کتابخانه تخصصی حدیث / قم

دانشنامه  
قرآن و حدیث

فارسی - عربی

محمدی اُمّی شهری

جلد پنجم

بایمکاری

جمعیت از پژوهشگران

ترجمه

حمید رضاشیخی، حمیدرضا آذری

www.kotab.ir

## دانش نامه قرآن و حدیث / ۹۶

محمد محمدی ری شهری

همکار: عبدالهادی مسعودی، سید محمد کاظم طباطبایی، رسول افقی، سید رسول موسوی  
مترجم: حمیدرضا شیخی، حمیدرضا آذیر

بازبین ترجمه: محمد مرادی، محمد هادی خالقی

بازبین نهایی: سید مجتبی غیوری

مصدریاب احادیث: سید روح الله طباطبایی، سعیدرضا عسکری، مجتبی فرجی، غلامحسین مجیدی

اعراب‌گذار: رسول افقی، مرتضی خوش نصیب

مقابله گر با مضاد: عبدالکریم مسجدی، حسنین دباغ، حیدر وائلی

سروراستار: محمد هادی خالقی

ویراستار فارسی: محمد باقری زاده اشعری

ویراستار عربی و شرح لغات: حسنین دباغ، عبدالکریم مسجدی، ماجد صیمری، علی بصری، کمال کاتب

مدیر آماده سازی: محمد باقر نجفی

فهرست ساز: علی اصغر ذریاب

نمونه خوان فارسی: علینقی نکران، محمود سامی، سید هاشم شهرستانی

نمونه خوان عربی: محمد علی دباغی، حیدر وائلی

خوش نویس: حسن فرزائگان

حروفچین: علی اصغر ذریاب، فخرالدین جلیلوولدا، حسین افخمیان

صفحه آرا: سید علی موسوی کیا

ناشر: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث

چاپ: اول / ۱۳۹۰

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت دوره: ۱۵۰۰۰۰ تومان



دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۱ / ص.پ. ۳۷۱۸۵ / ۴۴۶۸

نمایشگاه دانشی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۴۵ / فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی ۷ صحن کاشانی): ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهار راه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه هم کف: ۰۵۱۱ ۲۲۴۰۰۶۲ - ۳

فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، میدان تختی، خیابان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهار راه پل خاکی، سمت چپ، ساختمان کوثر، تلفن: ۲۲۲۱۴۲۴

<http://darolhadith.ir>

ISBN( set): 978 - 964 - 493 - 494 - 0

[darolhadith.20@gmail.com](mailto:darolhadith.20@gmail.com)

ISBN: 978 - 964 - 493 - 592 - 3

\* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

# فهرست اجمالی

۲۵. انسان

۸	درآمد
۲۱	فصل یکم: تعریف انسان
۳۵	فصل دوم: آفرینش انسان
۵۲	پژوهشی درباره آفرینش همسر آدم
۸۵	فصل سوم: برتری های انسان
۹۹	فصل چهارم: حکمت آفرینش انسان
۱۲۶	تحلیلی درباره حکمت آفرینش انسان
۱۳۵	فصل پنجم: ویژگی های ستودنی انسان
۱۵۵	فصل ششم: ویژگی های نکوهیده انسان
۱۸۱	فصل هفتم: پایه های کمال انسان
۱۹۹	فصل هشتم: آسیب های انسان
۲۰۷	فصل نهم: انسان کامل

۲۶. اهل بیت علیهم‌السلام

درآمد	۲۱۸
فصل یکم: مصادیق «اهل بیت»	۲۳۱
پژوهشی در باره حدیث کسا	۲۴۹
پژوهشی در باره احادیث مربوط به تعداد امامان	۳۵۹
فصل دوم: شناخت اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۳۷۹
فصل سوم: ویژگی‌های اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۴۰۵
سخنی در استدلال اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> به ویژگی «طهارت»	۴۱۵
پژوهشی در باره حدیث ثقلین و دلالت آن بر استمرار امامت اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۴۴۴
فهرست‌ها	۵۶۳

www.ketaboon.ir



# الإنسان

## انسان

www.ketab.ir

درآمد	:	فصل یکم
تعریف انسان	:	فصل دوم
آفرینش انسان	:	فصل سوم
برتری های انسان	:	فصل چهارم
حکمت آفرینش انسان	:	فصل پنجم
ویژگی های ستودنی انسان	:	فصل ششم
ویژگی های نکوهیده انسان	:	فصل هفتم
پایه های کمال انسان	:	فصل هشتم
آسیب های انسان	:	فصل نهم
انسان کامل	:	

## درآمد

### انسان، در لغت

برخی از واژه‌شناسان، کلمه «انسان» را از ماده «انس» به معنای نمایان بودن و یا الفت گرفتن دانسته‌اند. ابن فارس، در تبیین ریشه این واژه می‌گوید:

الْهَمْزَةُ وَالنُّونُ وَالسِّينُ، أَصْلٌ وَاحِدٌ، وَهُوَ ظُهُورُ الشَّيْءِ، وَكُلُّ شَيْءٍ خَالَفَ طَرِيقَةَ التَّوْحُّشِ. قَالُوا: الْإِنْسُ خِلَافُ الْجِنِّ، وَسُمُّوا لِظُهُورِهِمْ. يُقَالُ: أَنْسْتُ الشَّيْءَ إِذَا رَأَيْتَهُ... وَالْأَنْسُ: أَنْسُ الْإِنْسَانَ بِالشَّيْءِ إِذَا لَمْ يَسْتَوْحِشْ مِنْهُ.<sup>۱</sup>

همزه و نون و سین، یک ریشه معنایی دارد و آن، آشکار شدن چیزی است و هر چیزی است که مخالف طریقه توحش باشد. گفته‌اند: «انس»، خلاف «جن» است و انس نامیده شدن انسان‌ها به جهت آشکار بودنشان است. گفته می‌شود: «آنستُ الشَّيْءَ»، زمانی که آن را دیده باشی... آنس، همدمی انسان با چیزی است، زمانی که از آن ترسد.

این تحلیل از ریشه‌یابی معنای «انسان»، نشان می‌دهد که از نگاه ابن فارس، معنای اصلی «انس»، آشکار شدن است، لیکن میان آشکار شدن و الفت گرفتن، پیوستگی وجود دارد؛ اما به عقیده برخی دیگر از لغت‌شناسان، مصدر «آنس»، ضد

۱. معجم مقاییس اللغة: ج ۱ ص ۱۴۵ ماده «آنس».

«نُفُور (رَمِيدَن)» و به معنای الفت گرفتن است. راغب اصفهانی، در این باره می‌گوید:

الْإِنْسُ : خِلَافُ الْجِنِّ ، وَ الْأَنْسُ : خِلَافُ النَّفُورِ ... وَ الْإِنْسَانُ قِيلَ : سُمِّيَ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ خَلَقَ خَلْقَةً لَا قِوَامَ لَهُ إِلَّا بِأَنْسٍ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ ، لِهُذَا قِيلَ : الْإِنْسَانُ مَذَيَّبٌ بِالطَّبِيعِ ، مِنْ حَيْثُ لَا قِوَامَ لِبَعْضِهِمْ إِلَّا بِبَعْضٍ ، وَ لَا يُمَكِّنُهُ أَنْ يَقُومَ بِحَمِيعِ أَسْبَابِهِ ، وَ قِيلَ : سُمِّيَ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ يَأْتِسُ بِكُلِّ مَا يَأْلَفُهُ .<sup>۱</sup>

انسان، خلاف جن است و آنس (آرام یافتن به چیزی)، خلاف نفور (رمیدن). انسان نامیده شدن انسان، از این روست که به گونه‌ای آفریده شده که قوامش تنها به انس گرفتن با دیگران است. از این رو گفته‌اند: انسان، طبیعتی مدنی دارد، از آن جهت که قوام آنها به یکدیگر است و نمی‌توانند همه‌اسباب و وسایل را به تنهایی داشته باشند. نیز گفته‌اند: انسان نامیده شدن انسان، از این روست که هر که با او الفت بگیرد، با او همدم می‌شود.

به عقیده ازهری و ابن منظور و برخی دیگر از واژه‌شناسان عرب، کلمه «انسان»، در اصل، «انسیان» بوده و از «نسیان» به معنای «فراموشی» برگرفته شده است. متن سخن ابن منظور، چنین است:

الْإِنْسَانُ ، أَسْلُهُ إِنْسِيَانٌ لِأَنَّ الْعَرَبَ قَاطِبَةٌ قَالُوا فِي تَصْغِيرِهِ : أَنْسِيَانٌ فَذَلَّتِ الْيَاءُ الْأَخِيرَةَ عَلَى الْيَاءِ فِي تَكْبِيرِهِ ، إِلَّا أَنَّهُمْ حَذَفُوهَا لِمَا كَثُرَ النَّاسُ فِي كَلَامِهِمْ .<sup>۲</sup>

اصل انسان، انسیان است؛ زیرا همه عرب، در تصغیر آن گفته‌اند: انسیان. یاء آخر، دلالت می‌کند که در غیر مصغرش یاء هست؛ اما آن را به دلیل کثرت استعمال، حذف کرده‌اند.

ابن منظور، در ادامه کلام خود، برای تقویت این نظریه در تبیین ریشه کلمه

۱. مفردات ألفاظ القرآن: ص ۹۴.

۲. لسان العرب: ج ۶ ص ۱۰ مادة «أنس».



انسان، به سخنی از ابن عباس استناد می‌کند و می‌گوید:

و رُوِيَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيَ الْإِنْسَانُ إِنْسَانًا لِأَنَّهُ عَاهَدَ إِلَيْهِ فَتَسِي، قَالَ أَبُو مَنْصُورٍ: إِذَا كَانَ الْإِنْسَانُ فِي الْأَصْلِ إِنْسِيَانُ، فَهُوَ إِفْعَلَانٌ مِنَ النَّسِيَانِ، وَقَوْلُ ابْنِ عَبَّاسٍ حُجَّةٌ قَوِيَّةٌ لَهُ.<sup>۱</sup>

از ابن عباس نقل است که گفته: انسان نامیده شدن انسان، از این روست که عهدی داشته و فراموش کرده است. ابو منصور، گفته است: اگر اصل انسان، انسیان باشد، از فعلان و از ماده «نسیان» مشتق شده و گفته ابن عباس، دلیل محکمی برای آن است.

گفتنی است که از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده که می‌فرماید:

سُمِّيَ الْإِنْسَانُ إِنْسَانًا لِأَنَّهُ يَنْسِي، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلِ فَتَسِي»<sup>۲</sup>.

انسان، «انسان» نامیده شده، چون فراموش می‌کند. و خداوند تعالی فرموده است: «پیش‌تر، با آدم عهد بستیم، و او فراموش کرد».

برخی، دو کلمه «ایناس» و «نؤس» را نیز مبدأ اشتقاق انسان دانسته‌اند. واژه نخست، به معنای «ادراک و علم و احساس» و دومی به معنای «تحرک» است.<sup>۳</sup> چنانچه واژه انسان را مشتق از «أنس» بدانیم، وجه تسمیه‌اش آن است که رونق، زیبایی و الفت در زمین، تنها با وجود او حاصل می‌شود،<sup>۴</sup> یا آن که حیات انسان، بدون آنس با دیگران، تأمین نمی‌گردد. از این رو، گفته می‌شود: انسان «مدنی».

۱. لسان العرب: ج ۶ ص ۱۱.

۲. طه: آیه ۱۱۵.

۳. ر. ک: ص ۱۶۸ ح ۱۵۰.

۴. دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۴ ص ۴۸۱ (به نقل از بضاثر ذوی التمیمین: ج ۲ ص ۳۲ و تفسیر سورة والمصر:

ج ۲ ص ۱۰). گفتنی است که هیچ یک از منابع معتبر لغت، این نظریه را تأیید نکرده‌اند.

۵. دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۴ ص ۴۸۱ (به نقل از المخصّص: ص ۱۶).

بالتبع است<sup>۱</sup> یا بدان جهت او را انسان خوانده‌اند که با هر چه مرتبط باشد، انس و آلفت می‌گیرد،<sup>۲</sup> یا این که همواره با دو انس، همراه است: انس روحانی با حق، و انس جسمانی با خلق،<sup>۳</sup> یا بدان سبب که دو پیوند در او نهاده شده است: یکی با دنیا و دیگری با آخرت.<sup>۴</sup>

اما اگر انسان را مشتق از «نسیان» بدانیم، وجه تسمیه‌اش فراموشکاری انسان است و چنان که اشاره شد، این معنا به آدم ابو البشر، مرتبط است که پیمان خدای متعال را در مورد نزدیک نشدن به درخت ممنوع، فراموش کرد.

برخی گفته‌اند در صورتی که انسان از واژه «ایناس» مشتق شده باشد، وجه تسمیه‌اش، دسترس داشتن او به اشیای گوناگون از طریق علم و احساس و ایصار است<sup>۵</sup> و اگر از کلمه «نوس» اشتقاق یافته باشد، وجه تسمیه او تحرک شدید و جنب و جوش فراوانش در کارهای بزرگ است.<sup>۶</sup>

با تأمل در وجوهی که در مورد مبدأ اشتقاق «انسان» و یا وجه تسمیه آن ذکر شد، مشخص می‌گردد که دلیل قاطعی برای اثبات یکی از وجوه یاد شده، وجود ندارد، بخصوص که آنچه در باره وجه تسمیه آن آمده، غالباً یا عموماً سلیقه‌ای است؛ اما نکته قابل توجه، این است که مبدأ اشتقاق و وجه تسمیه انسان، هر چه باشد، در مباحث انسان‌شناسی از نگاه قرآن و حدیث - که هدف اصلی این بخش از دانش‌نامه قرآن و حدیث است - تفاوتی ندارد.

۱. دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۴ ص ۴۸۱ (به نقل از مفردات ألفاظ القرآن: ص ۹۴).

۲. دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۴ ص ۴۸۱ (به نقل از مفردات ألفاظ القرآن: ص ۹۴).

۳. دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۴ ص ۴۸۱ (به نقل از بصائر ذوی التمییز: ج ۲ ص ۳۱).

۴. دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۴ ص ۴۸۱ (به نقل از بصائر ذوی التمییز: ج ۲ ص ۳۱).

۵. دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۴ ص ۴۸۱ (به نقل از بصائر ذوی التمییز: ج ۲ ص ۳۲).

۶. دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۴ ص ۴۸۱ (به نقل از بصائر ذوی التمییز: ج ۲ ص ۳۲).

## انسان، در قرآن و حدیث

موضوع انسان‌شناسی، یکی از اصلی‌ترین مسائل اسلامی است که در قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام از زاویه‌های مختلف، مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، آنچه در نصوص اسلامی (متون قرآن و حدیث) در باره عقیده، اخلاق و عمل آمده، به گونه‌ای مرتبط با موضوع انسان‌شناسی است؛ ولی همه این مباحث، تحت عنوان «انسان»، قابل طرح نیست.

مفهوم مطرح شده در این بخش (مدخل «انسان»)، اصلی‌ترین مباحث انسان‌شناسی را از نگاه قرآن و احادیث اسلامی در خود دارند. اکنون پیش از پرداختن به متن آیات و احادیث، توضیح کوتاهی در باره آنها ارائه می‌گردد:

### ۱. تعریف اجمالی انسان

انسان، از نگاه قرآن کریم، موجودی است مرکب از جسم - که ریشه در خاک دارد - و روح - که مبدأ آن، امر الهی است -.

در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، گاه انسان به ترکیبی از عقل و صورت، و گاه به ترکیبی از عقل و شهوت، و گاه به ترکیبی از عالم بالا و پایین، تفسیر شده که این تعاریف نیز در واقع، تعبیر دیگری از تفسیر انسان به جسم و روح الهی است.

همچنین در برخی از احادیث، انسان به موجودی که میان خدا و شیطان در حرکت است، تفسیر شده که گاه به سوی خدا می‌رود و گاه به طرف شیطان، تا این که در نهایت، در زمره دوستان خدا و یا در شمار دشمنان او قرار گیرد.

در برخی دیگر از احادیث، انسان به شاهین ترازو تشبیه شده که گاه به وسیله جهل (نادانی و ناآگاهی)، به سوی سقوط و نابودی و گاه به وسیله علم و معرفت، به سوی کمال، گرایش پیدا می‌کند.

گفتنی است که همه این تعاریف، در واقع، تفسیر اجمالی انسان و دورنمایی از حقیقت این موجود پیچیده است، نه تعریف تفصیلی آن.

## ۲. اهمیت و ارزش انسان

آیات و احادیثی را که بر اهمیت و ارزش ممتاز انسان در جهان آفرینش، دلالت دارند، می‌توان به شش دسته تقسیم کرد:

الف- روشن‌ترین آیه‌ای که بر اهمیت آفرینش انسان دلالت دارد، آیه‌ای است که در آن، خداوند، در پی آفرینش این موجود پیچیده، بدین گونه از خود، ستایش می‌نماید:

﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾<sup>۱</sup>

خجسته است خداوند، که بهترین آفریننده است.

گفتنی است که خداوند متعال، در قرآن، تنها یک بار از خود با توصیف «بهترین آفریننده» ستایش کرده و آن هم هنگام آفرینش انسان است.

ب- آیات و احادیثی که بر کرامت انسان و برتری او بر سایر آفریده‌ها دلالت دارند.<sup>۲</sup>

ج- آیات و احادیثی که تصریح می‌کنند که آنچه در زمین است، بلکه همه جهان، برای انسان، آفریده شده است.<sup>۳</sup>

د- آیات و احادیثی که دلالت دارند که خداوند متعال، همه آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، مسخر انسان کرده است.<sup>۴</sup>

۱. مؤمنون: آیه ۱۴.

۲. ر. ک: ص ۸۵ (انسان) / فصل سوم: برتری‌های انسان / گرامیداشت الهی).

۳. ر. ک: ص ۹۱ (انسان) / فصل سوم: برتری‌های انسان / آفرینش آنچه در زمین است، برای انسان).

۴. ر. ک: ص ۹۳ (انسان) / فصل سوم: برتری‌های انسان / آنچه در آسمان‌ها و زمین است، مسخر اوست).

هـ- آیات و احادیثی که ویژگی‌های مثبت انسان را بیان کرده‌اند.<sup>۱</sup>

و- آیات و احادیثی که به موقعیت «انسان کامل» نظر دارند و این که انسان در سیر تکاملی خود، می‌تواند به نقطه‌ای برسد که مظهر اسما و صفات الهی گردد و بدین سان، خلیفه خدا، مسجود فرشتگان و امام ملکوتیان شود.<sup>۲</sup>

### ۳. انسان، پیش از ورود به دنیا

مقتضای تأمل در شماری از آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، این است که انسان، پیش از وجود دنیوی، در نشئه‌ای دیگر، از نوعی «وجود» برخوردار بوده است. از این رو در تفسیر این سخن خداوند متعال: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا»<sup>۳</sup> آیا انسان را آن هنگام از روزگار [به یاد] می‌آید که چیزی در خور یاد نبود؟<sup>۴</sup>، از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که می‌فرماید:

كَانَ مَذْكُورًا فِي الْعِلْمِ وَلَمْ يَكُنْ مَذْكُورًا فِي الْخَلْقِ.<sup>۵</sup>

در علم [خدا]، یاد شده بود؛ ولی در میان آفریده‌ها قابل یاد نبود.

این سخن، نشان می‌دهد که انسان، پیش از وجود خارجی، در علم خداوند، موجود و به صورت وجود علمی، برای خدای متعال، معلوم بوده و در پی اراده او از عالم علم به عالم عین، منتقل شده و وجود خارجی یافته است.

همچنین آیات میثاق<sup>۵</sup> بر وجود انسان قبل از نشئه دنیا دلالت دارند؛ بلکه آیه «وَإِن مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ»<sup>۶</sup> هیچ چیزی نیست، مگر این که

۱. ر.ک: ص ۱۳۵ (انسان / فصل پنجم: ویژگی‌های ستودنی انسان).

۲. ر.ک: ص ۲۰۷ (انسان / فصل نهم: انسان کامل).

۳. انسان: آیه ۱.

۴. ر.ک: ص ۳۴ ح ۱۹.

۵. اعراف: آیه ۱۲۷، یس: آیه ۶۰.

۶. حجر: آیه ۲۱.

مخازن آن، در نزد ماست و فقط آن را به اندازه، فرومی فرستیم، بدین معنا اشاره دارد که همه موجودات دنیوی، پیش از نشئه دنیا از نوعی وجود، برخوردار بوده‌اند.

#### ۴. آفرینش مُلکی انسان

پیش از این در تعریف انسان، اشاره کردیم که انسان، موجودی است دو بُعدی و مرکب از جسم و روح الهی، یا ترکیبی است از عقل و صورت، یا عقل و شهوت، و یا عالم بالا و عالم پایین.

جسم، صورت، شهوت و عالم پایین، به بُعد مُلکی (مادی) انسان، و روح الهی، عقل و عالم بالا، به جنبه ملکوتی (غیر مادی) او اشاره دارند.

آیات و احادیثی که به آفرینش بُعد مُلکی انسان اشاره دارند، به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

- دسته اول، آیات و احادیثی که به بیان آفرینش انسان از خاک پرداخته‌اند؛<sup>۱</sup>
- دسته دوم، آیات و احادیثی که به آفرینش انسان از آب، اشاره دارند؛<sup>۲</sup>
- دسته سوم، آیات و احادیثی که مرحله پیشرفته (نطفه) را بیان کرده‌اند؛<sup>۳</sup>
- دسته چهارم، آیات و احادیثی که به مراحل تکاملی جنبه مُلکی انسان از خاک تا وصول به بُعد ملکوتی اشاره کرده‌اند.<sup>۴</sup>

#### ۵. آفرینش ملکوتی انسان

قرآن کریم، در باره آفرینش ملکوتی انسان در مورد آدم علیه السلام پس از ذکر «تسویه» - که

۱. ر. ک: ص ۶۱ (انسان / فصل دوم / آفرینش انسان از خاک).

۲. ر. ک: ص ۶۳ (انسان / فصل دوم / آفرینش انسان از آب).

۳. ر. ک: ص ۶۵ (انسان / فصل دوم / آفرینش انسان از نطفه).

۴. ر. ک: ص ۶۷ (انسان / فصل دوم / مراحل تکامل انسان).

ناظر به بُعد مُلکی اوست ...، تعبیر «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»<sup>۱</sup> به کار می‌برد و در باره نسل وی، پس از بیان مراحل آفرینش مُلکی (نطفه، عَلَقه، مضغه و ...)، لحن خود را از خلق به انشا تغییر داده و مرحله جدیدی را که با مراحل پیشین، متفاوت است، یادآور می‌شود؛ مرحله‌ای که در آن، سخن از حیات، علم و قدرت انسان است.

مراحل پیشین هر چند در اوصاف، ویژگی‌ها، رنگ، طعم و شکل با یکدیگر متفاوت بوده‌اند، اما همجنس یکدیگر به شمار می‌رفته‌اند، در حالی که این مرحله، همجنس مراحل پیشین به شمار نمی‌آید. خداوند، در این مرحله چیزی را به انسان عطا کرده که در مراحل پیشین عطا نکرده بود.<sup>۲</sup>

#### ۶. حکمت آفرینش انسان

بر پایه حکمت آفریدگار، آفرینش انسان، بلکه همه آفریده‌ها، عبث و بیهوده نیست. همچنین مقتضای غنای ذاتی خداوند متعال، این است که آفرینش انسان و موجودات، سودی برای او ندارد. حکمت‌هایی که برای آفرینش در قرآن و احادیث اسلامی آمده، عبارت‌اند از: به کارگیری اندیشه و شناخت خدا، آزمایش انسان، عبادت خداوند متعال، رحمت الهی و بازگشت به سوی خدا. توضیح این حکمت‌ها ضمن تحلیلی خواهد آمد.

#### ۷. ویژگی‌های مثبت و منفی انسان

انسان، به دلیل این که موجودی دو بُعدی (مُلکی و ملکوتی) است، دارای ویژگی‌های مثبت و منفی است.

شماری از ویژگی‌های مثبت انسان، عبارت‌اند از: خلقت و سرشت نیکو،

۱. حجر: آیه ۱۵ و ۲۹، ص: آیه ۳۸ و ۷۲.

۲. دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۴ ص ۴۸۸.

اراده و آزادی، اندیشه، بیان، حیا، استعداد تعلیم و تربیت، استعداد پذیرش امانت و تکلیف الهی، استعداد تلقی وحی و الهام از جانب خداوند متعال.

گفتنی است که انسان، با بهره‌گیری درست از این ویژگی‌ها، می‌تواند خود را به قلّه کمالات انسانی برساند؛ اما اگر از این امکانات بالقوه خدادادی بهره‌نگرفت، خصلت‌های منفی موجود در بُعد ملکی او، بر وی غلبه خواهند کرد و در نتیجه، او به اسفل سافلین<sup>۱</sup> سقوط خواهد کرد. این خصلت‌ها عبارت‌اند از: جهل، شتاب، ناسپاسی، سرکشی، فراموشکاری، غرور، ستمگری، آزمندی، بخل، بی‌تابی، حسد و ....

#### ۸. اصلی‌ترین عوامل صعود به قلّه کمالات انسانی

اصلی‌ترین عوامل صعود به قلّه کمالات انسانی را می‌توان در به‌کارگیری عقل، علم و حکمت، ایمان به مبدأ و معاد، بلندهمتگی، انجام دادن کارهای نیک و مجاهدت با تمایلات نفسانی خلاصه کرد.<sup>۲</sup>

#### ۹. اصلی‌ترین آفات صعود به قلّه کمالات انسانی

مهم‌ترین آفات شکوفایی استعدادهای انسانی و وصول به قلّه انسانیت، عبارت‌اند از: جهل، غفلت، پیروی از هوس و ترک عمل به دانسته‌های خود. آیات و احادیثی که بر این معنا دلالت دارند، تأمل‌برانگیز و سخت‌آموزنده‌اند.<sup>۳</sup>

#### ۱۰. جایگاه انسان کامل

انسان، در سیر تکاملی خود، به تناسب میزان مجاهدت و فرمانبری او از خداوند

۱. اسفل سافلین، پایین‌ترین مرتبه پستی و اشاره به آیه پنجم از سوره تین است.

۲. ر.ک: ص ۱۸۱ (انسان / فصل هفتم: پایه‌های کمال انسان).

۳. ر.ک: ص ۱۹۹ (انسان / فصل هشتم: آسیب‌های انسان).



متعال و نزدیکی وی به ساحت قرب ربوبی، مظهر اسما و صفات الهی می‌گردد و به تعبیر دیگر، خلیفه و نماینده خداوند متعال می‌شود و در این موقعیت است که گاه، مسجود ملائکه می‌شود و گاه، امام آنها، و حتی اراده او، به اذن خدای متعال، در جهان هستی مؤثر می‌گردد، و به نسبت صعودش به قلّه تکامل، به ولایت تکوینی دست می‌یابد، چنان که در حدیث قدسی آمده:

عَبْدِي أُطْعِنِي أَجْعَلْكَ مِثْلِي ، أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ ، أَجْعَلْكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ ، أَنَا غَنِيٌّ لَا  
أُفْتَقِرُ أَجْعَلْكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرُ ، أَنَا مَهْمَا أَشَاءُ يَكُنْ ، أَجْعَلْكَ مَهْمَا تَشَاءُ يَكُنْ .<sup>۱</sup>

بنده من مرا اطاعت کن تا تو را همانند خودم کنم. من، زنده‌ای نامیرایم. تو را هم زنده‌ای نامیرا قرار می‌دهم. من، توانگرم و نیازمند نمی‌شوم. تو را هم توانگری می‌گردانم که نیازمند نشوی. من هر چه بخواهم، همان می‌شود. تو را هم چنان قرار می‌دهم که آنچه بخواهی، همان شود.

گفتمنی است که این حدیث و همچنین آنچه در مصباح الشریعة آمده که: «العُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ؛ عبودیت، جوهری است که كُنْه آن، ربوبیت است»،<sup>۲</sup> در منابع حدیثی معتبر وجود ندارد؛ ولی می‌توان گفت که مضمون آنها هماهنگ با قرآن و شماری از احادیث اسلامی است.

باری! جایگاه انسان کامل، جایگاه خلافت الهی است. در این موقعیت، انسان کامل، به ظاهر با سایر انسان‌ها تفاوتی ندارد؛ ولی در واقع، قابل قیاس با هیچ کس نیست، چنان که در حدیث نبوی آمده است:

لَيْسَ شَيْءٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ مِثْلِهِ إِلَّا الْإِنْسَانُ .<sup>۳</sup>

چیزی بهتر از هزار نمونه خودش، جز انسان، وجود ندارد.

۱. ر.ک: ص ۲۰۸ ح ۲۰۶.

۲. مصباح الشریعة: ص ۵۳۶.

۳. ر.ک: ص ۲۱۴ ح ۲۱۵.

لَا نَعْلَمُ شَيْئاً خَيْراً مِنْ أَلْفٍ مِثْلِهِ ، إِلَّا الرَّجُلَ الْمُؤْمِنَ .<sup>۱</sup>

هیچ چیزی را سراغ نداریم که بهتر از هزار نمونه خودش باشد، مگر انسان مؤمن.

ظاهراً مقصود از «مؤمن» و «انسان» در این دو حدیث، انسان کامل و یا انسان در

مسیر کمال است و بر این اساس، کلمه «هزار» از باب مثال است، نه این که شمار

بیشتر از «هزار» می تواند با انسان کامل برابری کند.

www.ketab.ir